



دستگیری دزدی که چشمانش انبار ۷ تنی پسته را گرفت!

توکلی – ماجرای این دستبرد هنگامی روی داد که سارق قی طبق نقشه ای از قبل طراحی شده ودرحالی که از مدت هاپیش چشمانش این انبار پسته را گرفته بود، دست به سرقت هفت تن پسته دستر نج یک ساله روستاییان زد. به گزارش خبرنگار ما، درپی اعلام سرقت ازیک انبار بزرگ پسته دریکی از روستاهای شهرستان رفسنجان، بر سر می موضوع ودستگیری سارق یا سارقان در دستور کار ماموران اداره مبارزه با سرقت پلیس آگاهی قرار گرفت.

ماموران پلیس آگاهی با بررسی دقیق صحنه سرقت وتحقیقات بعدی، سرخ هایی را در باره عامل احتمالی انجام این سرقت به دست آوردند. براساس این گزارش، آنان در ادامه تحقیقات خود، هویت متهم را شناسایی واین سارق را در عملیاتی دستگیر وبه مقر انتظامی منتقل کردند. سرپرست فرماندهی انتظامی شهرستان رفسنجان با اشاره به کشف هفت تن پسته سرقتی از مخفیگاه این سارق گفت: این دزد به همدستی دو نفر دیگر اعتراف و اقرار کرد، چشمانش این انبار پسته را گرفته بودا سرهنگ *محمد مهدی کریمی*، ارزش این محموله پسته سرقتی را چهار میلیارد ریال ذکر کرد و علت بیشتر سرقت هارایی توجهی مالکان به تجهیزات ایمنی بیان کرد.



رسانه های داخلی چین از فرونشست زمین و ایجاد حفره عمیقی در یکی از خیابان های استان «چینگ های» و کشته شدن دست کم شش تن در این حادثه خبر دادند. به گزارش ایسنا، پنابر اعلام رسانه های محلی چین در این حادثه یک دستگاه اتوبوس و تعدادی عابر پیاده داخل حفره عمیق ایجاد شده سقوط کردند که به کشته شدن دست کم شش تن و مفقود ۱۰ نفر دیگر منجر شد. به گفته مقامات محلی با گسترش پیدا کردن سطح این حفره چندین نفر از جمله یک کودک ناپدید شده اند. همچنین ۱۶ نفر به دلیل مصدومیت به بیمارستان منتقل شدند.

جان باختن ۴۳ نفر بر اثر سرما در پاکستان و افغانستان

با فرا رسیدن موجی از سرما و بارندگی های سنگین و توفان در افغانستان و پاکستان که تاکنون دست کم ۴۳ کشته به جا گذاشته، مقامات در تلاش برای پاک سازی و بازگشایی جاده ها و تخلیه مردم به مناطق امن تر هستند. به گزارش ایسنا، بیشترین خسارت ها در پاکستان که تاکنون ۲۵ قربانی داشته، به استان بلوچستان واقع در جنوب غربی این کشور وارد شده است. به گفته سرپرست مدیریت بلایای استان بلوچستان پاکستان تنها در ۲۴ ساعت گذشته ۱۴ نفر جان باخته اند که عمدتا به دلیل سقوط سقف خانه ها در بارش های سنگین برف بوده است. بارش برف شدید باعث بسته شدن بسیاری از جاده ها شده و میزان بارش در برخی از نقاط استان به ۱۵ سانتی متر رسیده است. طبق اعلام مقامات خدمات اضطراری دولتی، بر اثر ریزش سقف برخی خانه ها بارندگی های شدید استان شرقی 'پنجاب' تاکنون ۱۱ نفر کشته شده اند. همچنین در افغانستان تاکنون ۱۸ نفر از جمله زنان و کودکان به علت شرایط وخیم آب و هوایی کشته شده اند. هشت نفر از قربانیان در ولایت جنوبی 'قندهار'، هفت نفر از جمله پنج نفر از اعضای یک خانواده در ولایت غربی 'هرات' و سه نفر در ولایت جنوبی 'هلمند' بوده اند. به گفته مقامات این کشور بیشتر جاده های افغانستان به دلیل بارش شدید برف و ترس از سقوط پهنم بسته شده اند.



بنا بر گزارش آسوشیتدپرس، ساکنان کابل، پایتخت افغانستان که دمای هوا در آن به منفی ۱۵ درجه سانتی گراد رسیده، به دلیل بارندگی های شدید قادر به رانندگی نبوده و برای جابه جایی در شهر با مشکلات زیادی مواجه شده اند.

چهارشنبه ۲۵ دی ۱۳۹۸ ۱۹ جمادی الاول ۱۴۴۱، شماره ۲۰۲۹۴

تلاش برای ارتباط باصدها روستای محاصره شده در سیل

سردار سلامی : تمام امکانات سپاه به مناطق سیل زده می آید

دست و پنجه نرم می کنند، اظهار کرد: باید دستگاه‌هایی همچون بیل مکانیکی و بولدوزر و لودر به منطقه اعزام شود چون عمق خسارت زیاد است. امام جمعه اهل سنت زاهدان نیز تاکید کرد: کمک به سیل‌زدگان بر هر مشغله دیگر ترجیح دارد.

برای پی چند اردوگاه و ارسال کمک های غذایی و امدادی

در همین حال حامد سجادی، معاون عملیات سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر از برپایی سه اردوگاه اسکان اضطراری در کنارک، فوج و قصر قند خبر داده است و این که یک هزار و ۱۴۴ نفر از سیل‌زدگان سیستان و بلوچستان در این اردوگاه‌ها اسکان یافتند. مدیر کل دفتر مدیریت بحران استانداری سیستان و بلوچستان گفت: ۳۰ محور در جنوب سیستان و بلوچستان که به دلیل طغیان رودخانه ها و سیلاب بسته شده بود، بازگشایی شد. ارجمندی افزود: همچنین در پی سیلاب اخیر، برق ۷۸۳ روستا در جنوب سیستان و بلوچستان قطع شده بود که با تلاش دستگاه‌های مرتبط اکنون شبکه برق ۴۷۳ روستا وصل شده است و همچنین شبکه آب ۲۴۵ روستا نیز از مدار خارج شده بود که اکنون آب ۵۳ روستا



بخش کشاورزی همین بس که به

گفته عبدالوهاب شهلای بر فعال اجتماعی در این استان، متأسفانه هم اینک چهار هزار هکتار باغ موز و نیز ۱۰ هزار هکتار کشت خارج از فصل (مثل کشت هندوانه و طالبی) بر اثر سیل از بین رفته است.

۸۰ درصد از تپاطات راه‌های روستایی و عشایری قطع شده است
گزارش خبرنگار اعزامی ایسنا به بخش سیل زده عورکی از توابع چابهار نشان می‌دهد که باوجود جان گرفتن امدادرسانی‌ها، چهارروز پس از وقوع سیل، هنوز جاده‌های دسترسی به این بخش بسته است، شبکه برق و آب قطع است و برای انتقال تجهیزات امدادرسانی از قایق استفاده می‌شود. اهالی این بخش سیل زده گلاجه می‌مندند چرا که معتقدند اگر ۱۲ سال پیش پس از وقوع توفان 'گنو' و خرابی‌هایی که به بار آورد، سیل بند برای این روستا ساخته می‌شد حالا سیل دار و ندارشان را با خودش نمی‌برد. به گفته خبرنگار ایسنا، آب ازخانه‌های برخی روستاهای سیل‌زده تخلیه شده و سیل‌زدگان با آب گل آلود سیلاب، لباس‌ها و وسایل باقی مانده زندگی‌شان را شسته و در قسمت‌های خشک خانه‌ها مستقر شده‌اند. این روستاییان از همان آب می‌نوشند و از آن‌جا که تعداد بچه‌های هر خانوار زیاد است احتمال بروز بیماری در میان سیل‌زدگان در روزهای آینده بیشتر می‌شود. در همین حال علی کرد، نماینده مردم خاش و ستایه و عشایری این استان به دلیل سیل قطع شده است، افزود: مردم سیل زده به مواد غذایی و پوشاک احتیاج دارند. عمق خسارت زیاد است و لازم است دولت برنامه خاصی برای رفع خسارت در استان سیستان و بلوچستان داشته باشد. نماینده خاش با بیان این که مردم با کمبود مواد غذایی و پوشاک

۶۵ گروه جهادی در قالب ۳۵۰۰ نفر

اسماعیل نجار، رئیس سازمان مدیریت بحران کشور، اهم اقدامات انجام گرفته در مناطق سیل زده استان سیستان و بلوچستان را نیز تشریح کرده و گفته است: به منظور کاهش میزان آسیب پذیری ۴۵۰ تیم عملیاتی در مناطق مختلف تشکیل شده و پنج گروه مهندسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ۶۵ خودروی تاکتیکی به کار گرفته شدند و هم اکنون ۶۵ گروه در قالب گروه‌های جهادی در مجموع سه هزار و ۵۰۰ نفر به امدادرسانی سپاه نیز گفت: نیروی دریایی سپاه هم در حال انتقال امکانات خود به مناطق سیل‌زده‌هستند.

سردار سلامی: تمام امکانات سپاه به مناطق سیل‌زده می‌آید

فرمانده کل سپاه که به منظور مدیریت روند



خبر مرتبط

راه‌های ۳۸ روستای سیل‌زده جنوب کرمان؛ همچنان مسدود

توکلی– راه‌های دسترسی ۳۶۶ روستای سیل‌زده در جنوب کرمان بازگشایی شد. مدیر کل مدیریت بحران استانداردی کرمان در باره آخرین وضع وقوع سیلاب در جنوب استان گفت: بر اثر سیلاب اخیر راه ارتباطی بیش از ۴۰۰ روستا قطع شد که با تلاش‌های انجام‌شده راه‌های دسترسی ۳۶۶ روستای سیل‌زده در جنوب کرمان بازگشایی شد اما امکان ارتباط ۳۸ روستا به علت کوهستانی وسخت‌گذار بودن و مقدار زیاد روان‌آب‌ها فراهم نشده است. سعیدی افزود: همواره راه ارتباطی در شهرستان سیل زده رودبار جنوب بازگشایی شده اما در قلعہ گنج دسترسی به سه روستای سیل‌زده قطع است و در صورت نیاز در این

معاون اجتماعی راهور:

مرگ‌روزانه ۴۵ تا ۵۵ نفر در تصادف

۱۰۰ نفر ویلچر نشین می‌شوند

که دچار تصادفات جاده‌ای می‌شوند در صحنه تصادف جان خود را از دست می‌دهند، تصریح کرد: حدود ۵۱ در صد افراد در صحنه تصادفات، حدود ۷ درصد در مسیر و ۴۱ درصد در بیمارستان‌ها فوت می‌کنند. وی اضافه کرد: برای کاهش آمار فو‌تی‌ها باید وضعیت زیرساخت‌های شبکه رمان و اورژانس کشور را تقویت کنیم. معاون اجتماعی و فرهنگ ترافیک پلیس راهور ناجا با بیان این که سالانه ۷ درصد تولید ناخالص ملی در تصادفات از بین می‌رود، افزود: ۷۰ درصد تصادفات جاده‌ای به دلیل خطاهای انسانی به وقوع می‌پیوندد. سرهنگ جهانی تعداد بانوان ایرانی دارای گواهی نامه را هفت میلیون نفر اعلام کرد و گفت: ۹/۵ درصد بانوان در تصادفات مقصر هستند. سرهنگ عین‌ا... جهانی دیروز سه‌شنبه ۲۴ دی‌ماه در نامه ویژه طرح بانوان فرهنگ‌یارت ترافیک که در باشگاه‌میلاد کرج برگزار شد، با اشاره به پیشینه‌اجرای طرح همیاران پلیس در کشور اظهار کرد: این طرح از ۱۰ سال پیش تا کنون در کشور در حال اجراست و تاکنون ۱۰ میلیون نفر در این طرح شرکت کرده‌اند. وی با اشاره به وضعیت تصادفات جاده‌ای در کشور توضیح داد: تصادفات جاده‌ای سومین عامل مرگ‌ومیر در کشور است. وی با اشاره به افزایش ۱۵۲ درصدی خودروها از سال ۹۷ تا ۹۸ اظهار کرد: در این بازه زمانی تعداد موتور سیکل‌هم ۱۲۰ درصد رشد داشته‌است. معاون اجتماعی و فرهنگ ترافیک پلیس راهور ناجا در بخش دیگری با اشاره به این که روزانه در کشور ۴۵ تا ۵۵ نفر در تصادفات جاده‌ای جان خود را از دست می‌دهند، گفت: حدود هزار نفر نیز مجروح می‌شوند که ۱۰ درصد آن‌ها ویلچری می‌شوند. سرهنگ جهانی با اشاره به آمار تصادفات جاده‌ای گفت: تا ۱۲ درصد کشته‌های تصادفات جاده‌ای را کودکان تشکیل می‌دهند. این مسئول با بیان این که بیش از نیمی از افرادی



امدادرسانی به سیل‌زدگان به استان سیستان و بلوچستان سفر کرده است از گسیل امکانات و ظرفیت‌های قاضی سید جواد حسینی (قاضی ویژه قتل عمد در زمان حادثه) تحت تعقیب قرار گرفت و در نهایت تسلیم قانون شد. او که به خاطر دوستی با یک دختر ۱۶ ساله دستش به خون آلوده شده بود با ابراز ندامت از این حادثه تلخ گفت: یکی از بستگانم از طریق فضای مجازی با دختر ۱۸ ساله‌ای آشنا شده بود و با اقرار ملاقات می‌گذشت. پدر آن دختر ساکن یکی از کشورهای همسایه بود و مادرش با کارگری هزینه‌های زندگی آن‌ها را تامین می‌کرد. در این میان روزی من هم سرقرار آن دختر با «شهرام» به پارک رفتم. آن دختر به همراه خواهر کوچک‌ترش منتظر پدر یک لحظه بادیدن خواهر ا تصمیم گرفتم که من هم با «هدی» دوست شوم. به همین دلیل شماره او را گرفتم و او را آن‌روز به بعد با ارسال پیامک‌های عاشقانه روابط خیابانی مآ آغاز شد و من به آن دختر دل بستم. از سوی دیگر مادر من زلی در حاشیه شهر داشت که من آن‌جا را به خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی بردم تا با یکدیگر برای آینده صحبت کنیم ولی نمی دانستم که او و خواهرش با پسران دیگری ارتباط دارند تا این که روزی به طور اتفاقی متوجه شدم «هدی» با یکی از دوستان خود ارتباط نزدیکی دارد. وقتی موضوع را با دوستم در میان گذاشتم او ماجرا را انکار کرد در عین حال از «میعاد» خواستم تا دور «هدی» را خط بکشد چرا که من به او دل باخته بودم و نمی خواستم با فرد دیگری در ارتباط باشم. چند روز بعد زمانی که من در همان منزل مجردی مشغول استعمال مواد مخدر بودم «هدی» پیامکی برای من فرستاد تا مرا ملاقات کند ولی من پاسخ دادم «الان دستم بند است و نمی توانم او را ببینم!» حدود دو ساعت بعد برای آن که «هدی» از من ناراحت نشده باشد با او تماس گرفتم و گفتم زمانی که به خانه خودشان رسید با من تماس بگیرد تا هدیه‌ای به او بدهم چرا که یک گردنبند بدلی برایش خریده بودم. آن شب بعد از صرف شام وقتی در کوچه هدی را دیدم رفتار سردی با من داشت و مدام تلفن همراهش زنگ می‌خورد ا علت را که پرسیدم گفت: «یکی از دوستان خودت است!» آن شب اتفاقاً من به هم رخنه بودم، سوار موتور سیکلت شدم و سراغ خواهر «هدی» رفتم. به او گفتم خواهرت انصیحت کن تا ارتباطش را با دوست من قطع کند. او هم قول داد که با خواهرش صحبت می‌کند او لی هنوز به خانه نرسیده بودم که «هدی» پیامکی با این مضمون بر ایم فرستاد «برگم شوامن با میعاد می‌روم!» با خواندن این جمله خیلی عصبانی شدم و در حالی که کنترل‌م را از دست داده بودم سوار بر موتور سیکلت دوباره به خیابان آدم آن قدر خشمگین بودم که در جهت خلاف خیابان حرکت می‌کردم. در همین هنگام ناگهان چشمم به هدی افتاد که در حاشیه همان خیابان کنار میعاد ایستاده و مشغول گفت و گو بودند. با دیدن این صحنه، دیگر حال خودم را نمی فهمیدم غرور سراسر وجودم را فر گرفته بود و گر های گردنم باد می‌کرد. آن لحظه چهره ام از شدت خشم سرخ شده بود که ناخودآگاه گاز موتور سیکلت را فشردم هنوز چندین متر با آن‌ها فاصله داشتم که موتور سیکلت را در همان حالت روشن رها کردم و خودم پایین پریدم. میعاد هنوز در برابر فحاشی‌های من سخنی نگفته بود که چاقویم را برپرون کشیدم و چند ضربه پیکرش فرود آوردم که یکی از ضربه‌ها به صورت کلنگی زیر گلویش خورد و ... اما ای کاش فقط یک لحظه به عاقبت این رابطه های خیابانی می‌انديشيدم.

۱۳

در امتداد تاریکی

خروس آدم‌کش!

اگر آن روزها لحظه ای به عاقبت دوستی های خیابانی و هوسرانی های زودگذر می‌انديشيدم هيچ گاه به خاطر ارتباط با يك دختر اين گونه شاهرگم را بادم نمی‌کردم و سال های جوانی ام را به نابودی نمی‌کشاندم. آن قدر بعد از ماجرای قتل پشیمان بودم که روزی در کنار زمین های کشاورزی سگی را دیدم که باارامش در حال عبور بود، در آن هنگام آرزو کردم ای کاش یک سگ بودم تا از ترس دستگیری و اعدام وحشت زده و آشفته نبودم... این ها بخشی از اظهارات جوان ۲۲ ساله معروف به «خروس» است که مهرماه سال ۹۳ بعد از یک ماه فرار به اتهام قتل هم‌محله‌ای اش با صدور دستورات ویژه‌ای از سوی قاضی سید جواد حسینی (قاضی ویژه قتل عمد در زمان حادثه) تحت تعقیب قرار گرفت و در نهایت تسلیم قانون شد. او که به خاطر دوستی با یک دختر ۱۶ ساله دستش به خون آلوده شده بود با ابراز ندامت از این حادثه تلخ گفت: یکی از بستگانم از طریق فضای مجازی با دختر ۱۸ ساله‌ای آشنا شده بود و با اقرار ملاقات می‌گذشت. پدر آن دختر ساکن یکی از کشورهای همسایه بود و مادرش با کارگری هزینه‌های زندگی آن‌ها را تامین می‌کرد. در این میان روزی من هم سرقرار آن دختر با «شهرام» به پارک رفتم. آن دختر به همراه خواهر کوچک‌ترش منتظر پدر یک لحظه بادیدن خواهر ا تصمیم گرفتم که من هم با «هدی» دوست شوم. به همین دلیل شماره او را گرفتم و او را آن‌روز به بعد با ارسال پیامک‌های عاشقانه روابط خیابانی مآ آغاز شد و من به آن دختر دل بستم. از سوی دیگر مادر من زلی در حاشیه شهر داشت که من آن‌جا را به خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی بردم تا با یکدیگر برای آینده صحبت کنیم ولی نمی دانستم که او و خواهرش با پسران دیگری ارتباط دارند تا این که روزی به طور اتفاقی متوجه شدم «هدی» با یکی از دوستان خودم ارتباط نزدیکی دارد. وقتی موضوع را با دوستم در میان گذاشتم او ماجرا را انکار کرد در عین حال از «میعاد» خواستم تا دور «هدی» را خط بکشد چرا که من به او دل باخته بودم و نمی خواستم با فرد دیگری در ارتباط باشم. چند روز بعد زمانی که من در همان منزل مجردی مشغول استعمال مواد مخدر بودم «هدی» پیامکی برای من فرستاد تا مرا ملاقات کند ولی من پاسخ دادم «الان دستم بند است و نمی توانم او را ببینم!» حدود دو ساعت بعد برای آن که «هدی» از من ناراحت نشده باشد با او تماس گرفتم و گفتم زمانی که به خانه خودشان رسید با من تماس بگیرد تا هدیه‌ای به او بدهم چرا که یک گردنبند بدلی برایش خریده بودم. آن شب بعد از صرف شام وقتی در کوچه هدی را دیدم رفتار سردی با من داشت و مدام تلفن همراهش زنگ می‌خورد ا علت را که پرسیدم گفت: «یکی از دوستان خودت است!» آن شب اتفاقاً من به هم رخنه بودم، سوار موتور سیکلت شدم و سراغ خواهر «هدی» رفتم. به او گفتم خواهرت انصیحت کن تا ارتباطش را با دوست من قطع کند. او هم قول داد که با خواهرش صحبت می‌کند او لی هنوز به خانه نرسیده بودم که «هدی» پیامکی با این مضمون بر ایم فرستاد «برگم شوامن با میعاد می‌روم!» با خواندن این جمله خیلی عصبانی شدم و در حالی که کنترل‌م را از دست داده بودم سوار بر موتور سیکلت دوباره به خیابان آدم آن قدر خشمگین بودم که در جهت خلاف خیابان حرکت می‌کردم. در همین هنگام ناگهان چشمم به هدی افتاد که در حاشیه همان خیابان کنار میعاد ایستاده و مشغول گفت و گو بودند. با دیدن این صحنه، دیگر حال خودم را نمی فهمیدم غرور سراسر وجودم را فر گرفته بود و گر های گردنم باد می‌کرد. آن لحظه چهره ام از شدت خشم سرخ شده بود که ناخودآگاه گاز موتور سیکلت را فشردم هنوز چندین متر با آن‌ها فاصله داشتم که موتور سیکلت را در همان حالت روشن رها کردم و خودم پایین پریدم. میعاد هنوز در برابر فحاشی‌های من سخنی نگفته بود که چاقویم را برپرون کشیدم و چند ضربه پیکرش فرود آوردم که یکی از ضربه‌ها به صورت کلنگی زیر گلویش خورد و ... اما ای کاش فقط یک لحظه به عاقبت این رابطه های خیابانی می‌انديشيدم.

اگر آن روزها لحظه ای به عاقبت دوستی های خیابانی و هوسرانی های زودگذر می‌انديشيدم هيچ گاه به خاطر ارتباط با يك دختر اين گونه شاهرگم را بادم نمی‌کردم و سال های جوانی ام را به نابودی نمی‌کشاندم. آن قدر بعد از ماجرای قتل پشیمان بودم که روزی در کنار زمین های کشاورزی سگی را دیدم که باارامش در حال عبور بود، در آن هنگام آرزو کردم ای کاش یک سگ بودم تا از ترس دستگیری و اعدام وحشت زده و آشفته نبودم... این ها بخشی از اظهارات جوان ۲۲ ساله معروف به «خروس» است که مهرماه سال ۹۳ بعد از یک ماه فرار به اتهام قتل هم‌محله‌ای اش با صدور دستورات ویژه‌ای از سوی قاضی سید جواد حسینی (قاضی ویژه قتل عمد در زمان حادثه) تحت تعقیب قرار گرفت و در نهایت تسلیم قانون شد. او که به خاطر دوستی با یک دختر ۱۶ ساله دستش به خون آلوده شده بود با ابراز ندامت از این حادثه تلخ گفت: یکی از بستگانم از طریق فضای مجازی با دختر ۱۸ ساله‌ای آشنا شده بود و با اقرار ملاقات می‌گذشت. پدر آن دختر ساکن یکی از کشورهای همسایه بود و مادرش با کارگری هزینه‌های زندگی آن‌ها را تامین می‌کرد. در این میان روزی من هم سرقرار آن دختر با «شهرام» به پارک رفتم. آن دختر به همراه خواهر کوچک‌ترش منتظر پدر یک لحظه بادیدن خواهر ا تصمیم گرفتم که من هم با «هدی» دوست شوم. به همین دلیل شماره او را گرفتم و او را آن‌روز به بعد با ارسال پیامک‌های عاشقانه روابط خیابانی مآ آغاز شد و من به آن دختر دل بستم. از سوی دیگر مادر من زلی در حاشیه شهر داشت که من آن‌جا را به خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من چندین بار هدی را به آن خانه مجردی تبدیل کرده بودم و برای استعمال مواد مخدر به همراه دوستانم به آن‌جا می‌رفتم. آن خانه مجردی به پاتوق خلافتکاری هایم تبدیل شده بود به گونه‌ای که بر اثر همین رفیق بازی هاو از حدود دو ماه قبل به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آلوده شدم. خلاصه خیلی زود تماس های تلفنی و پیامکی به دیدارهای حضوری انجامید و من